

محمد شاکری
کارگردان

شرایط روانشناختی حاکم بر اثر را تقویت کردم

با چه چالش‌هایی در کارگردانی این اثر مواجه بودید؟

بزرگترین چالشی که در واقع نمایشنامه آداب شکار روباه برای من داشت که در عین حال جدی‌ترین و هیجان‌انگیزترین چالشش هم بود در واقع آن فضای روانی و روانشناختی حاکم بر کاراکترهاست که نویسنده در اثر پیش می‌برد. آقای عادل‌نیا که خود نیز در اردبیل این اثر را به اجرا برده وقتی اجرای ما را دیدند معتقد بودند که این دو اجرا کاملاً متفاوت هستند چرا که ایشان در اجرا بیشتر پایبند به تعهدات و قوانین یک اجرایی رئالیستی بودند اما من بیشتر شرایط روانشناختی حاکم بر اثر را تقویت کردم و فضاهای انتزاعی‌تری را ایجاد کردم تا کار صرافار نالیسم محض نباشد و این در واقع همان چالش و دغدغه خودم برای معاصر سازی یک واقعه تاریخی بود. این مسئله هم در فرم روایت و هم در ایده اجرایی به عنوان کارگردان و از همه مهمتر به عنوان یک اثر هنری مستقل خیلی مرا به چالش کشید و در عین حال یکی از جذابیت‌ترین اتفاق‌هایی بود که برای من افتاد و امیدوارم مخاطب بیاید و ببیند و بعد بتوانیم در مورد این اتفاق با هم گپ بزنی و ببینیم چقدر توانسته‌ایم آنچه که در ذهنمان بوده را برای مخاطب روی صحنه بیاوریم.

سخن پایانی

در اجرای روز یکشنبه استاد عزیزم آقای ناظر زاده کرمانی، یکی از چهره‌های ماندگار هنرهای نمایشی ایران قبول زحمت کرده و مهمان ما بودند و ما اجرای اول را با حضور مخاطبین عزیزمان و استاد گرانقدرمان اجرا فتم. من می‌دانم که شرایط نرمال و معمولی هنوز در جامعه مستتر نشده و ترس‌ها و عواقب اضطراب اجتماعی و روانی که این واقعه ناخوشایند به تک تک ما، مخصوصاً مردم تهران وارد کرده هنوز پابرجاست و شاید هر اجرایی که دیرتر اجرا شود با شرایط فعلی موفق‌تر شود اما من قول داده بودم اجرا بروم و نمی‌خواستم این اجرا را از دست بدهم. از طرفی درگیر تولید دیگری برای آخر سال هستم بنابراین با اینکه خودم و گروه‌م می‌دانیم که شاید تحت تاثیر شرایط، مخاطب زیادی به استقبال اثر نیاید اما تنها خواهش من از شما و دیگر اصحاب رسانه این است که به شکلی اطلاع‌رسانی و خبر منتشر و تکتیر شود که جامعه تئاتر بین‌ها با آن مواجه شوند و امیدوارم اتفاق‌طوری رقم بخورد که بتوانیم در خدمت مخاطبین فهیم تئاتر باشیم.

هنرهای نمایشی خیلی همراه ما بودند و ما خیلی تلاش کردیم تا بتوانیم به جریانی برسیم که اجراها انجام شود. در نهایت وقتی به دعوت مرکز هنرهای نمایشی کار به اجرای جشنواره تئاترهای حرفه‌ای تاجیکستان رفت و آنجا با باز خورد خوبی روبرو شد و تنها کاری بود که خارج از جدول یک اجرای دیگر هم داشت و مورد تحسین منتقدین قرار گرفت، با معاونت محترم امور هنری وزارتخانه سرکار خانم دکتر رضایی صحبت کردیم و از ایشان هم مطالبه اجرای عموم داشتیم و ایشان هم قول مساعد دادند و به محض اینکه برگشتیم با پیگیری‌های ایشان، همکاری آقای جودکی و همکاری پیشین آقای اتابک نادری سرانجام کار به مرحله اجرا در مجموعه تئاتر شهر تهران رسید و امروز خدا را شکر شرایط ثباتی که در کشور ایجاد شده و تعلیق اجراها را پشت سر گذاشته‌ایم دوباره فرصت اجرا مهیا شده و بچه‌های گروه وظیفه خود می‌دانستیم که با شعار همبستگی و وطن پرستی اجرای اول را در ستایش همبستگی و وطن پرستی به صورت رایگان در خدمت مخاطبین عزیز و فهیم تئاتر تهران باشیم.

آیا اتفاقات اخیر تاثیری در روند اجرا خواهد داشت؟

خب واقعیت ماجرا این است که اتفاقات اخیر اتفاقات ناخوشایندی بود که ما پشت سر گذاشتیم کشور از حالت عادی خارج شد و طبیعتاً هنر هم تحت تاثیر این اتفاقات قرار می‌گیرد. همین لحظه که با شما صحبت می‌کنم اگر صادقانه بخواهم عرض کنم واقعه‌ی خوشبین نیستیم به اینکه با توجه به شرایطی که اصلاً هم خوشایند کسی نبود و تبعاتش که تا مدتی تمام افراد اجتماع را درگیر خواهد کرد، مردم راحت بیایند و تئاتر ببینند و از میان اجراهای تئاتر شهر هم در واقع تنها کاری که از روز گذشته یکشنبه شروع و بلیط فروشی کرد کار ما بود و همه این‌ها باعث میشود که رونق همیشه و معمول تئاتر شهر وجود نداشته باشد و ما هم به مردم حق می‌دهیم که با احتیاط بیشتری سعی کنند به این عادی سازی برگردند بنابراین همه چیز زمان می‌برد و همه چیز در گرو این زمان قرار می‌گیرد تا به شرایط عادی قبل برگردد و قطعاً اجراهای ما انطور که باید دیده نخواهد شد اما واقعیت ماجرا اینجاست که ما هنرمند هستیم، یک اثر هنری را تولید کردیم و تعهد اجرا داریم و وقتی که جناب آقای جودکی و آقای مفتخر از مجموعه تئاتر شهر تماس گرفتند و به ما گفتند که نوبت اجراهای شماست و باید تشریف بیاورید ما نه گفتیم و با علم به اینکه این اجراها شاید از حمایت مردمی خوبی با توجه به شرایطی پیش آمده بر خوردار نشوند قبول کردیم چون به اصل تعهدمان معتقدیم البته امیدوارم که ورق جور دیگری برگردد و واقعه‌ای خواهیم که مخاطب کارمان را ببیند چون به گروه کوچک تئاتر از یک شهرستان کوچک هستیم که برای این تئاتر زحمت زیادی کشیده‌ایم و

سوی گیشه و رونق اقتصادی بازار تئاتر به شدت دوست داریم که تماشاگر تهران بیاید و کار ما را ببیند. من مطمئنم زحمتی که بچه‌ها پای این کار کشیده‌اند ارزش دیده شدن را دارد اما چه کنیم که ناگزیر این شرایطی که هیچ کس پیش‌بینی آن را نمی‌کرد پیش آمد و گریزی از این شرایط و پس‌لرزه‌هایش نیست اما با تمام این شرایط ما آماده اجرا هستیم

شمارا کمی بیشتر بشناسیم.

من تئاتر را از سال ۸۲ و با دوره‌های آموزشی شروع کردم و در ادامه مسیر برایم جدی‌تر شد بنابراین تصمیم گرفتم تئاتر بخوانم، تغییر رشته و دوباره کنکور دادم و در سینما تئاتر پذیرفته شدم و کارشناسی تئاتر را از دانشکده هنر گرفتم. اما بعد از آن با توجه به تعهد و علاقه شخصی خودم به تئاتر کار کردن در شهرستان به شهر خودم بجنورد برگشتم و بسیار تجربه کردم و چند سالی هم هست که به همت رفقای تئاتری، گروه تئاتر صفر را راه انداخته‌ایم و تا الان قریب به شش تولید داشتیم پنج یا شش تولید داشتیم که به اجرا رسیده‌اند. ما یک گروه کوچک و پرنرزی هستیم که دوست داریم انطور که دغدغه‌هایمان ایجاب می‌کند و دغدغه‌های جامعه به ما تحمیل میکند بتوانیم به زبان هنر حرف بزنی و تئاتر کار کنیم.

از جذابیت‌های متن که موجب انتخاب آن شد بفرمایید

من بیشتر تعریف این متن را شنیده بودم و وقتی نمایشنامه را خواندم دو چیز مرا به شدت جذب خودش کرد یکی نگاه به یک شب از زندگی یکی از دراماتیک‌ترین شاهانی که تاریخ شاهنشاهی ایران داشته، یعنی آقا محمد خان قاجار، کسی که با توجه به شرایطی که داشته به شدت پادشاه مستبد و خون‌خوار هم بوده و اینکه یک شب از زندگی این فرد و دست بر قضا شب قتل او روایت می‌شود برای من بسیار جذاب بود نکته بعدی نیز در واقع نگاه خود نویسنده به آن شب است، یعنی نویسنده با دستکاری‌های خیلی کوچک اما دراماتیک در اتفاقی که در شب قتل آقا محمد خان قاجار می‌افتد یک نگاه جدید به آن واقعه و آن شب اضافه کرده است که اثر را به یک اجرای به شدت امروزی از نظر فضا، اتمسفر تبدیل می‌کند و آنچه که در نمایش اتفاق می‌افتد با این حرکت نویسنده و این تحریفی که به نفع نمایشی‌تر شدن اثر انجام گرفته سبب می‌شود که اثر تاریخ را پشت سر بگذارد و به نوعی واقعه را از دل تاریخ به جهان امروز و جهان دغدغه‌های امروز مخاطب وارد می‌کند و من مطمئنم تماشاگری که نمایش را ببیند می‌تواند با آن ارتباط بگیرد و به واری تاریخ با این نمایش سفر کند و اتفاقات زمانه خودش و دغدغه‌های زمانه خودش را در یک واقعه تاریخی رصد کند. همه این‌ها برای من بسیار جذاب بود و سبب شد که تصمیم بگیرم این نمایش را کار کنیم.

در کارگردانی این اثر کدام شیوه‌های اجرایی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است؟

در شیوه کارگردانی ما سعی کردیم به عنوان یک اجرایی رئالیستی باید اتفاق بیفتد وفادار باشیم اما از چند فاکتور استفاده کردیم که یکی ظرفیت خود متن هست که به شدت ویژه نمایش‌های ایرانی است یعنی بازی در بازی و اینکه کاراکترها مدام جای هم بازی می‌کنند و در نقش‌ها و در قامت یکدیگر قرار می‌گیرند. شیوه بازی در بازی چیزی است که خود نویسنده هم در متن جزو فرم نوشتاری رعایت کرده است اما در کنار این مسئله من به عنوان کارگردان از فاصله گذاری استفاده کردم و سعی کردم برای همان معادل سازی دغدغه‌های مخاطب امروزی با استفاده از فاصله گذاری در تاریخ جلوتر بیایم این دو شیوه، دو شیوه به شدت غالبی هستند که در فرم نوشتار و اجرای کارگردانی به عنوان مخاطب با آن مواجه هستیم.

«آداب شکار روباه» چگونه به تئاتر شهر رسید؟

در فرایند تولید این اثر نمایشی و اینکه چطور این نمایش تا به امروز پیش رفت باید بگویم که قطعاً اجراهای جشنواره تئاتر فجر و موفقیت‌هایی که این نمایش در جشنواره تئاتر فجر داشت تاثیرگذار بودند. آقای شیردل بازیگر کار وقتی برای دریافت تندیس بازیگری مرد روی صحنه رفت با صدای بلند از لزوم دیده شدن آثار شهرستان‌ها و داشتن سهم از اجراهای پایتخت گفت و بعد از آن گروه با جدیت دنبال اجرا بود. آقای اتابک نادری مدیر کل محترم وقت مرکز

